

میرغیاث الدین خان نجرابی

پیرمردی که تاریخ زندهء عصر خود بود



عبدالوکیل کوچی

جانم به فدای دشت و دامان وطن
جاوید بود نام بزرگان وطن
نام وطن و یاد ابر مردان است
یاد آور تاریخ درخشان وطن

مناطق شمال شرق کابل زمین، جلگه های سرسبز وشادابیست که در امتداد کوهپایه های جنوب هندوکش موقعیت دارد و به سرزمین دره ها یاد میشود. ولسوالی نجراب یکی ازین مناطق زیباست. در جریان سفر از محمود راقی مرکز ولایت کاپیسا (قلعه تاریخی وزیر عبدالرحیم خان) یا صدق آباد، به سمت جنوب شرق این ولایت، در کنار رود خروشان پنجشیر با عبور از منطقهء سولانک و مرتفع هموار تپهء احمد بیک درهء نسبتا وسیعتری موقعیت دارد که بنام خارجدره یاد میشود. که مرکز ولسوالی نجراب شیروانی (شهروانی) در آن موقعیت دارد. این درهء زیبا بشکل کف دست و در اطراف آن دره های متعددی بشکل پنجه ها که مشرف به آن میباشد بنام های دره فرخشاه ولی، دره کلان، درهء غچولان، درهء غخک یا درهء غوث، درهء پته و در سمت جنوب آن درهء پچه غان موقعیت دارد. این کوهپایه ها مهد دلاوران صلحشور و آزاده میباشند.

یکی از آنجمله مرحوم میر غیاث الدین خان نجرابی مرد جهان دیده معزز و موی سفید قوم، شخصیت با نفوذ و تاریخ زنده عصر خود بود.

بنده نگارنده در سال ۱۳۴۸ خورشیدی، مادامیکه در مکتب خارجدره نجراب وظیفه مقدس معلمی را بعهده داشتم و سه سال قبل از آن با عضویت در حزب دموکراتیک خلق افغانستان و سرنوشت مشترک با مردم مستضعف افغانستان، راه مبارزه را در پیش گرفتم. راه هموار نبود، بلکه کوهها و کوتل ها در میان بود که ساعت ها با پای پیاده پیموده میشد تا فعالیت های سیاسی روشنگرانه از مرکز به محلات راه خود را میگذرود. درست در ماه جوزای سال ۱۳۴۸ بود که به منظور شرکت در جلسه حزبی، ولسوالی نجراب را با پای پیاده بقصد گلپهار پشت سر گذاشتم تا به منزلی که زنده یاد محمد حیدر بابک پسر ارشد مرحوم حاجی محمد عمر (امک) در آن زندگی میکرد خود را رسانیدم و در همان جلسه حزبی به پیشنهاد محترم دستگیر پنجشیری که منیث نماینده کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. در آن حضور داشت به حیث نخستین منشی کمیته حزبی ولایت کاپیسا به اتفاق آرا انتخاب گردیدم و تا رویداد ثور ۱۳۵۷ و مرحله دوم آن رویداد بزرگ و تاریخی این وظیفه با افتخار را بعهده داشتم. و آنگاه علاوه بر آن مسئولیت حزبی ولسوالی های نجراب و تگاب نیز به عهده اینجانب سپرده شد. مطابق به سیاست مردمی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و بخاطر استحکام پیوند توده یی حزب با مردم و برقراری تماس مستقیم با آنها و شرکت در غم و شادی هموطنان ما، در ماه جوزای همان سال به همکاری ملک حبیب الله شخصیت مردم دوست و فرزند ارشد این خانواده با میر غیاث الدین خان معرفی و در پای صحبت آن نشستم.

مرد مسن که نزدیک به یکصد سال عمر داشت از پادشاه گردشی ها، شورشها، جنبش های مردمی، جنگ های آزادی خواهی، و مبارزات مشروطه خواهی صحبت میکرد. و بطور اخص از مراجعات امیر دوست محمد خان به نجراب و سفر امیر حبیب الله خان به این دره و زیبا و داستان های مربوط به همان سفر ها و همچنان از پلان های عمرانی امیر امان الله خان غازی بخصوص اعمار بند برق و پل عبدالله برج و پیامد جنبش های بعدی آن دوره ها و خاطرات تلخ و شیرین روزگار را یاد آوری می نمود.

مرحوم میر غیاث الدین خان در فاصله چند کیلومتری شمال شرق شیر وانی (شهر وانی) در قریه زیبایی بنام پسکندی زندگی میکرد. زنده یاد میرغیاث الدین خان خان همچون تاریخ زنده عصر خویش در باره نام های تاریخی مناطق و دره ها چنین میگفت از منطقه خارجدره، دره های متعددی به هر طرف امتداد یافته است، این دره ها بنام های باشنده گان معتبر و مشهور روحانی و با نفوذ عصر خویش یاد میشوند. بگونه مثال دره فرخشاه ولی بنام روحانی بزرگ آندوره و دره غوث ولی و به همین ترتیب دیگر مناطق یاد آور خاطرات بزرگان عصر و زمان خویش میباشد. موصوف یکی

از جالب ترین خاطرات مهم دوره های گذشته را که از روی تاریخ شفاهی منطقه بیاد داشت چنین بیان کرد. در قدیم ها مسئولیت امنیت هر دره به عهده بزرگان مناطق مربوطه آن بود که بخاطر اطمینان پایتخت از مسایل امنیتی مناطق، در دهنه هر دره بر فراز کوهپایه های آن بیرق هایی با علامات مختلف که هر رنگ آن معنی خاصی داشت در پایان هر روز و در زمان معین افراشته میشد و در فاصله های دید، بیرق هایی به استقامت پایتخت در اهتزاز بود که همزمان با افراشتن هر رنگ بیرق اوضاع امنیتی همان منطقه تشخیص و مشخص میگردد. بگونه مثال اهتزاز بیرق سفید علامت امنیت و رنگ سرخ نماد جنبش و حرکت های مردمی، سبز نشانه برکت و آرامش. این بیرق ها در واقع منحنیث وسایل ارتباطی همان دوره، و وسیله ارسال خبر از فاصله دهها کیلومتر فقط در مدت چند دقیقه امکان پذیر بود. به این ترتیب اوضاع امنیتی تمام دره ها بوسیله موظفین و خبر رسان های مناطق بمرکز میرسید.

مرحوم میر غیاث الدین خان در حوادث سیاسی وطن بخصوص مناطق کاپیسا نجراب نقش مستقیم داشت. عمر طولانی و تحرکات اجتماعی موصوف زمینه ساز نفوذ و امکانات کاری او در میان مردم و تامین رابطه ایشان با دولت ها بود که بعضا اصطلاحات مروج زمان های گذشته را از روی یادداشت های شفاهی خود چنین بیان میداشت که اکثرا تا به حال بر سر زبان هاست:

بگونه مثال، سرکار، رساله شاهی، رساله دار، سوبه دار منصبدار، جمع دار، خزانه دار، تیکه دار، حواله دار، تحصیلدار، پهره دار، علاقه دار، و یا میر آب باشی، باغبان باشی، باشی، دهباشی، صد باشی، آبدار باشی، کیشک باشی، دزد بگیر، چراغ گیرک وی همچنان مقامات دولتی را کرنیل، جرنیل، کوتوال، کچاری، فلوس (پلیس) ماصل (محصل) حاکم، حکمران و غیره از یادداشت های آن مرحوم بود. باید گفت که ایشان فرزندان با دانش، تحصیل کرده، صادق و خدمتگزار برای جامعه تقدیم کرده است. اروا شاد میر غیاث الدین خان بروایتی به عمر ۱۱۵ سالگی داعی اجل را لبیک گفته است. روح مرحومی و همه رفتگان این راه دراز شاد باد.

مردم دلیر وطنپرور نجراب همانند مردم سایر مناطق افغانستان، مستعد بکار، آگاه وطندوست، و پرتحرک بوده اند که از طریق کار و کوشش در عرصه های زراعت و دام پروری حاصلات خوبی از سرزمین و دره های شاداب شان بدست می آورند. چهار مغز، پنیر، توت، جلغوزه و میوه های رنگارنگ نجراب شهرت جهانی دارد. مردم عزیز نجراب همانند سایر مناطق کشور عزیز ما افغانستان مردمانی اند، آزاده، وطنپرست، معارف پرور، مهمان نواز و زحمتکش. کارگری و زحمتکشی حاصل تلاش و زندگی آنها در میان دره های شاداب و کوهپایه ها میباشد. روح انساندوستی، آزادگی و مبارزه را از پدران و باشندگان این سرزمین به ارث برده اند. درین دره

زيبا هزاران هزار انسان وطندوست، دلاور و پرغور نامدار و گمنام پرورش يافته است كه روح
شان شاد و نام شان جاويدانى.

عبدالوكيل كوچى

تاريخ ارسال به «اصالت»:

Jan 6, 2013 17:47

www.esalat.org